

## بهرز سون: نکاتی دیگر درباره کنفرانس مرموز مرکز اولاف پالمه



پنهانکاری بعنوان امری روزمره در دنیای سیاست رواج دارد. دلیل و برهان شناخته شده آن در میان افکار عمومی همان هراس از واکنش سریع و گسترده افکار عمومی است. این نکته را میتوان بوفور در جوامع دیکتاتور زده مشاهده کرد. اما در تبعید و در میان نیروهائی که با شعار دموکراسی و حقوق بشر بر علیه نظامهای استبدادی میسورند و پلنومها و کنگره های سازمانی خود را نیز در محیطی علنی \_ نیمه علنی بازتاب میدهند، شرکت در مجامع مخفی در این ابعاد بسیار نادر است. این عمل تنها میتواند از نهادهائی صورت پذیرد که به دموکراسی پایبند نیستند. شعار میدهند، از حقوق بشر به ظاهر دفاع میکنند اما چون به خلوت میروند آن کار دیگر می کنند!

.....

فعل و انفعالات در میان ترکیب حکومتیان و حواشی آنها از جذابترین و مهمترین رخدادهای سیاسی برای طیف راست اپوزیسیون در تبعید بوده است. این طیف در تاریخچه سیاسی خود منافع خود را در فعل و انفعالات حکومتیان بلحاظ ترکیبی دیده است. کنش و واکنش پائینی ها در ارتباط با سیاستهای جاری و اعمال شده از سوی حکومتیان مورد استفاده ابزاری در دنباله روی بیشترشان در ارتباط با بخشی از بالائی ها بکار گرفته شده است.

زمانی از رفسنجانی جنایتکار سردار سازندگی ساخته اند و دوره ای نیز خاتمی شریک جرم کشتارهای دهه شصت و زندانیان سیاسی را در مقام گاندی ایران نشانده اند. امروزه هم منتظر عطسه موسوی و کروی هستند که عاقبت بگویند و دستمال تعارف کنند.

برای این طیف بالاگرفتن تب جنگ و احتمال حمله نظامی به کشورمان برکتی! است که قابل چشم پوشی نیست. تمامی شعارها و پزهای سیاسی و دموکراتیک و حقوق بشری با گوشه چشمی از سوی دول سرمایه داری غربی به یکباره محو شده و عاجزانه بدنبال بوی کباب! به درگاه خدایگان غربی میروند.

دور از چشم خلیق ( ناظران، خبرنگاران، اپوزیسیون رادیکال و اصیل رژیم در خارج از کشور، ملل ساکن کشورمان و ... مخفیانه با نمایندگان ارسالی از سوی غرب به گفتگو می نشینند و مشاوران آنان را محرم اسرار میسورند در حالی که جزئیات این نشست را در اختفا نگه داشته اند. فراموش میکنند به یکباره که از حقوق بشر ( مخفیانه! ) و دموکراسی ( خودی ها! ) گفته اند و برای خود از برگزارکنندگان مخفی در این کنفرانس **تقاضای شناسنامه** می کنند!

با سبقت گرفتن از هم و پیشدستی نسبت سایر نیروها در تشکیل اپوزیسیون خارج کشور و همراه با دوستان دیرینه و هم پیاله های جناحی خود به استکهلم پر می کشند و از یاد می برند که تبعیدیان استکهلم این واقعه شرم آور را که در نزدیکی شان رخ میدهد، واکنش نشان خواهند داد. تظاهرات اعتراضی تعدادی از فعالین

استکھلم در برابر این مرکز نشان داد که هیچ نمایشی حتی مخفی بدور از دیدگان تیزبین اپوزیسیون اصیل و ناسازگار جمهوری اسلامی نخواهد ماند .

نشست مرموز خود را اتحاد برای دموکراسی! مینامند و جلسه مباحثاتشان را بنا به اوامر گردانندگان و مهره های پشت پرده ناشناس! برای افکار عمومی در مرکز اولاف پالمه مخفی برگزار می کنند.

بخشی از دعوت شدگان از علت دعوت شدنشان بی خبر بوده اند ( لابد قرار بوده که کسری حاضرین جبران شود و این کنفرانس با تنوع فکری - طیفی حاضرینش جدی تلقی شود؟).

مجموعه ای از سازمانها و منفردین که از جرگه اپورتونیستهای سیاسی و همواره خیره به بخشهای انتقادی بالائی ها بوده اند. تغییر از بالا، امید به آن و یاس و سرخوردگی از پائینی ها، جوهره نگاه و فعالیت سیاسی آنها بوده است. تن به کنفرانسی سراسر اسرار آمیز، غیر دموکراتیک و پنهانی میدهند.

گفته شده است که این کنفرانس با تقاضای کومله مهتدی، سازمان اکثریت، فعالین اتحاد جمهوریخواهان، برخی از اصلاح طلبان و منفردین برگزار شده است. پس از کنفرانس و در متون منتشر شده هیچکس مسئولیت تقاضا را بعهده نمیگیرد!.

پشت پرده هنوز و بخشا ناشناخته مانده است که محرکان برگزاری این کنفرانس چه کسانی و از کدام دول غربی هستند و تغذیه مالی - مشورتی میشوند؟

جابجا شدن موسوی و کروبی در محل حصرشان اشکهای غم و شادی را در میان این نیروها سرازیر کرده است و برای رهائی آنها اعتصاب غذا ها و پر شمار راهپیمائی ها و با تمامی امکانات خود در نقاط مختلف جهان براه انداختند. با توجه به اینکه در پی ائتلاف و خوراندن آلترناتیو به مردم بودند، طرح ائتلاف با هر فرد و جریان با سوء پیشینه سیاسی منوط به سر دادن شعارهای سبزها دادند. در پیشگیری از پخش اعلامیه و شعارهای تبعیدیان رادیکال از یکدیگر سبقت گرفتند و از پلیس محل برگزاری علیه صفوف رادیکال ها و هواداران سرنگونی رژیم مدد خواستند.

از پیش هم مشخص بود که تجمعی از آنان برای دموکراسی!، بدون حضور هواداران راستین دموکراسی که برای دموکراسی رزمیده اند و نزدیک به سه دهه سازش ناپذیر در تبعید بسر میبرند، برگزار خواهد شد.

از پیش مشخص بود که طیف رادیکال و اصیل تبعیدی بر روی یک نیمکت و در کنار افراد و جریاناتی با سابقه جنایت علیه مردم ایران در سه دهه پیش نخواهند نشست و پاسخ منفی داده خواهد شد.

پنهانکاری چرا صورت میگیرد؟

پنهانکاری بعنوان امری روزمره در دنیای سیاست رواج دارد. دلیل و برهان شناخته شده آن در میان افکار عمومی همان هراس از واکنش سریع و گسترده افکار عمومی است. این نکته را میتوان بوفور در جوامع دیکتاتور زده مشاهده کرد. اما در تبعید و در میان نیروهائی که با شعار دموکراسی و حقوق بشر بر علیه نظامهای استبدادی میثورند و پلنومها و کنگره های سازمانی خود را نیز در محیطی علنی \_ نیمه علنی بازتاب میدهند، شرکت در مجامع مخفی در این ابعاد بسیار نادر است. این عمل تنها میتواند از نهادهائی

صورت پذیرد که به دمکراسی پایبند نیستند. شعار میدهند، از حقوق بشر به ظاهر دفاع میکنند اما چون به خلوت میروند آن کار دیگر می کنند!

ماجرای جدائی دین از دولت یا حکومت:

این شعار بنابر عینت مبارزات سه دهه اخیر و همچنین تجربیات تلخ و خون آلود مردم کشورمان ناشی از حضور دین در حاکمیت، از مهمترین و عمومی ترین شعارهای مبارزات عمومی و رادیکال مردم کشورمان است. شلم شوربای شرکت کنندگان پیش از برگزاری اجلاس نشاندهنده آن بود که از این کوزه تهی نیز معجزه ای بیرون نمی خزد.

طیف دعوت شده که برخی از آنها هم در جریان نبودند و مخالفت کردند، نیز نمی توانستند با حضورشان هم تغییراتی چشمگیر به حاصل این خیمه شب بازی تحمیل کنند. چرا که در حضورشان در صحنه سیاسی و در تاریخچه سیاسی خود همان کرده اند که به کنفرانس مرکز اولاف پالمه ختم شده است.

در نوشته پیشین اشاره کردم که ترکیب شرکت کنندگان بدنبال جدائی ولی فقیه از کلیت نظام هست اما جدائی این کلیت از مذهب را پذیرا نخواهد شد. حذف ولایت فقیه نقطه اشتراک اما حذف کلیت جمهوری اسلامی و طرح جدائی دین از دولت عامل افتراق است.

نگاه کنیم به یک پاراگراف از گزارش نادر عصاره از شرکت کنندگان:

مخالفت با اضافه شدن جدائی نهاد دین از دولت به متن اولیه بود. مخالف اصولی با جدائی نهاد دین از دولت در کنفرانس وجود نداشت. مخالفت بیشتر از این زاویه بود که گفتگو و دیالوگ مورد نظر کنفرانس نمی تواند مشروط به پذیرش این اصل باشد

نادر عصاره : نگاهی به «کنفرانس» در استکهلم

<http://www.akhbar-rooz.com/article.jsp?essayId=43603>

هرگونه که این دو جمله را تفسیر کنیم به این نتیجه میرسیم که مخالفانی با جدائی دین از دولت موجود بوده اند و جمعیت حاضر به هر دلیلی با نیات آنان همراهی کرده اند و مخالفتی جدی صورت نگرفته است. این مهم نشاندهنده این است که اراده حاکم بر این مجموعه برای چشم انداز آتی و بدون حاکمان وقت، تحولات بنیادین نیست و آنچه وعده میدهند بازسازی گذشته هاست. تکرار جمهوری اسلامی و اینبار بدون ولی فقیه.

سعید سلطانپور:

علی فیاض نویسنده مسلمان مقیم سوئد که اتفاقاً رضا طالبی از وقت رادیویی ایشان برای اطلاع رسانی اقدام کرده بود در مورد

کنفرانس می پرسم، می گوید ما اطلاع نداشتیم. هیچ کدام از فعالین سیاسی نه خبردار و نه دعوت شده بودند

پر واضح است که سازمانهای شرکت کننده و افراد برای دریافت حسابهای چاق و چله بانکی از آمریکا و اسرائیل و شرکاء برای خود و تشکلهای خود در آینده، ناگزیر به استقبال درخواستهای غرب و سیاست گذار مطالبات آنها باشند و این کلمه رمز میان شرکت کنندگان، برگزار کنندگان و عوامل پشت پرده و تغذیه کننده این کنفرانس است.

مطلب آقای منوچهر صالحی تحت عنوان: پروژه اپوزیسیون سازی دلان سیاسی زوایائی از این کنفرانس را روشن مینماید

[http://www.iranliberal.com/Maghaleh-ha/EXtra/Salehi\\_ProjektDalalanSyasi.htm](http://www.iranliberal.com/Maghaleh-ha/EXtra/Salehi_ProjektDalalanSyasi.htm)

.....

در زمینه پنهانکاری های این جماعت، گفته های پروین اردلان را میتوان در آدرس زیر شنید

**گفته های پروین اردلان از دعوت شدگان با امیر جواهری لنگرودی قابل تامل است.**

**[http://p111272.typo3server.info/10.html&tx\\_ttnews\[tt\\_news\]=16561&tx\\_ttnews\[backPid\]=23&cHash=d9afcbdf696b0682c3790095521817f9](http://p111272.typo3server.info/10.html&tx_ttnews[tt_news]=16561&tx_ttnews[backPid]=23&cHash=d9afcbdf696b0682c3790095521817f9)**

پروین اردلان همراه تعدادی از دعوت شدگان (خودی) از جمله آقای مهرداد درویش پور و تعدادی دیگر از دعوتی ها از حضور در این کنفرانس سر باز زدند. با اتکا به خصلت مخفیانه بودنش و با تاکید بر غیر دمکراتیک بودنش با حضور در کنفرانس مخالفت کردند.

کلافی سردرگم؟؟

درباره چگونگی برگزاری این کنفرانس دو روزه روایت های مختلفی هست. برگزار کنندگان میفرمایند که با تقاضای افراد و نهادهای شرکت کننده این تجمع صورت گرفته است حال آنکه بخش بزرگی از آنها در پی کنفرانس و در مصاحبه های گوناگون مطرح میکنند که چنین تقاضائی از سوی آنان انجام نشده است.

بخشی از شرکت کنندگان و گزارشات بر این موضوع تاکید داشته اند که کنفرانس دو روزه بدون حضور ناظران و خبرنگاران صورت خواهد گرفت. برخی دیگر میگویند که هیچ مانعی برای ارتباط با خبرنگاران و جهان رسانه ها موجود نبوده است. قطعاً بخشی از اپورنوئیستهای شناخته شده نیز از علت دعوت نشدنشان انگشت بدهان مانده اند!

.....

• علیرغم همه اشکالات و ابهامات و ناروشنی های ناشی از غیر متمرکز و یک دست نبودن دست اندر کاران، این کنفرانس در واقع، از ابتدا سمیناری برای گفتگو میان ایرانیان اعلام شد. برخی این گفته خود را در جریان کنفرانس قدری تغییر و خواستار دادن **شناسنامه ای به شرکت کنندگان در کنفرانس بودند**، متقابلاً برخی حضور شرکت کنندگان را صرفاً برای گفتگو می دانستند ...

و اما مشاوران غیر ایرانی چه گفتند:

به اختصار:

سخنران اول:

در بسیاری از موارد راه دموکراسی سد می شود چون نیروهای سیاسی و مدنی در فاز پیشا سیاسی گیر می افتند، و به فاز دیالوگ وارد نمی شوند. او تاکید می کرد که رقابت ها و سهم خواهی ها علت اصلی ماندن در فاز پیشا سیاسی است که انرژی های بسیاری را تلف و مانع وارد شدن به گفتگو و اقدامات دموکراتیک می گردد.

( محرز است که انانی که چه بصورت تشکیلاتی مثل آقای فریدون احمدی ( از سازمان اکثریت و از عوامل اصلی شکست طیف جمهوریخواهان دمکرات و لائیک بعنوان آلترناتیو حذفی جمهوری اسلامی ) و چه بصورت نمایندگی از آهی گرفته تا سازگارا و مخملباف و... بدنبال سهم بودند و بدینجهت شناسنامه میخواستند. ساده انگاریست چنانچه بپذیریم مشاورین غیر ایرانی شرکت کننده در این کنفرانس بر حسب اتفاق در محل بودند و هریک پیامی سنجیده برای ارادته دادن به شنوندگان آماتور خود نداشتند.)

سخنران دوم:

در عین حال یاد اوری کرد که در تاثیر بر سیاست بین المللی، اپوزیسیون نبایستی تاثیر بر روسیه و چین را نادیده بگیرد. او تجاربی برای تاثیر گذاری اپوزیسیون ایران بر سیاست بین المللی مطرح نمود.

سخنران سوم:

او گفت که گرفتن قرار برای ملاقات با وزارت خارجه امریکا و پارلمان اروپا توسط اپوزیسیون متشکل در یک شورا ممکن است و از اهمیت این ملاقات ها با ذکر مثالی یاد کرد. او اشاره کرد که بدنبال ملاقاتی که با ایرانیان در استانبول انجام شده است مسئله انتخابات آزاد در پارلمان اروپا مورد بحث قرار گرفته است. او علت عدم توجه کافی سیاست بین الملل را به حقوق بشر، ضعف اپوزیسیون ایران دانست. او افزود که اپوزیسیون ایران اگر بخواهد، می تواند سرعت مطرح شود.

سخنران چهارم:

سخنران چهارم، به معاهدات بین المللی برای حل اختلافات اقتصادی پرداخت و به برخی پرسش ها برای فشار بر شرکت هایی که به رژیم ایران تکنولوژی می فروشند که مورد استفاده علیه حقوق بشر است پاسخ داد. او در گفتگو های خود بر جدی بودن اراده سیاسی بر مثنی تحریم ها تاکید بسیار داد.

.....

مجموعه رهنمودهای مشاوران در حقیقت امر مطالبات و پیش شرطهای دول ذینفع برای حمایت مالی و سیاسی از اپوزیسیون باصطلاح آلترناتیو است. اپوزیسیونی که تابعی از اوامر و سیاستهای آنان باشد.

منوچهر صالحی مینویسد:

( در رابطه با سمینار استکهلم در آغاز چنین وانمود شد که بنیاد اولاف پالمه از این ایرانیان دعوت کرده و هزینه سفر و هتل آن‌ها را پرداخته است. اما بنا بر روایت دیگری گویا سازمان «غیرانتفاعی و میان‌دولتی» ایداً دعوت کننده به این سمینار و تأمین کننده هزینه آن بوده است. «ایده‌آ» یک نهاد جهانی میان‌دولتی است که هدف آن «پشتیبانی از دموکراسی و کمک‌رسانی به انتخابات آزاد در سراسر جهان» است. این نهاد هر چند از دولت‌ها مستقل است، اما بودجه‌اش توسط دولت‌های عضو تعیین می‌شود و از آن‌جا که ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا بیش‌ترین بخش از این بودجه را تأمین می‌کنند، بنابراین هم‌چون نقشی که در سازمان ملل متحد بازی می‌کنند، می‌توانند بیش‌تر از دیگران سیاست کارکردی این نهاد را در رابطه با منافع خود تعیین کنند. پس تعجب‌آور نیست که در رابطه با وضعیت نوینی که غرب می‌پندارد در ایران پدید آورده است، این نهاد کلی پول خرج کند تا بتواند بخشی از اپوزیسیون ایران را هم‌سو با منافع غرب و اسرائیل سازمان‌دهی کند. در این‌جا لازم به یادآوری است که پیش از دو سمینار اخیر، چندی پیش سمیناری در رابطه با تحقق «دموکراسی در ایران» از سوی «مرکز مطالعاتی عربی- ایرانی» در لندن برگزار شد که بودجه آن را عربستان سعودی تأمین می‌کند. به این ترتیب دولتی که خود دارای ساختار دولت پیشامدرن و پس‌گرا است، دلش برای «دموکراسی» در ایران تنگ شده و برای تحقق آن پول در اختیار «اپوزیسیون» انیران‌نشین قرار می‌دهد. سمینار دیگری نیز قرار است در آغاز ماه آوریل در واشنگتن برگزار شود. دعوت‌کنندگان به آن سمینار برای آن که «استقلال» و «عدم وابستگی» خود را بنمایانند، مدعی شده‌اند که «هزینه‌ها از کمک ایرانیان دموکراسی‌خواه و شرکت‌کنندگان تأمین خواهد شد». البته بسیاری از دعوت‌شدگان به این نشست همان‌هایی هستند که هم در جلسه کلن و هم در جلسه استکهلم شرکت داشتند. همان‌طور که گفتیم، برخی از چهره‌ها دلایان سیاسی و کسانی هستند که از پس پرده آگاهند، اما خود را به «نادانی» می‌زنند و بخش دیگر، یعنی اکثریت دعوت‌شدگان، سیاهی لشکر است.)

.....

به هر حال طفره رفتن شرکت‌کنندگان پیش و پس از این کنفرانس در برابر مطبوعات و ناظران آگاه در خارج کشور نشان‌دهنده آنست که این مجموعه بافتن طناب پوسیده‌ای را آغاز کرده است که حتی بخش کاسبکار و سازشکار اپوزیسیون در تبعید را نیز یارای نگهداری نیست.

تجربه بیش از سی سال سرکوب و مقاومت مردم کشورمان این درس را نیز برای آنان پی داشته است که

با این طناب به چاه نروند.

بهروز سورن

[Sooren001@yahoo.de](mailto:Sooren001@yahoo.de)